

## پاسخ نقد\*

دکتر ثریا خوانساری

دانشکده علوم دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی

اگر هیچ نگویم نگفته مانده‌ام. از قدیم گفته‌اند که "سکوت علامت رضاست" و از اینکه سکوت‌م را به رضا و تأیید تعبیر کنند ناگزیر از گفتنم. همیشه بر این باور بوده‌ام که هیچ چیز را نمیتوان از ظاهر آن قضاوت نمود و هم آنگونه که نویسنده محترم مقاله "سرقه آشکار" هم به آن اذعان داشته‌اند "کالای خوب در بسته‌بندی بد هم دیده شده است". جالب است که نویسنده محترم مقاله از همان سطور نخستین نیت خود را از درج چنین مقاله‌ای کاملاً روشن نموده و مسئله‌ای علمی را با کلمه "کالا" برابر دانسته‌اند. سؤال من از این نویسنده محترم این است که اگر ایشان و من هر یک یک نوع "کالا"، به زعم ایشان، را از مغازه‌های مختلف خریداری کنیم و به خانه ببریم آیا هر دو مرتکب دزدی شده‌ایم و یا فقط یکی از ما "سرقه آشکاری" را انجام داده‌است؟ آیا عبارتی، فرضاً که ساخته و پرداخته ذهن ایشان باشد، نمی‌تواند و نباید توسط دیگران استفاده شود؟ آیا کسانی که برای اولین بار لغتهائی چون "رایانه"، "نمبر"، "یارانه"، و غیره را به مجموعه لغوی این زبان اضافه کرده‌اند توقع دارند که هر بار دیگران به هر عنوان از این لغات استفاده کردند اسم بدعت‌گذار آن را هم بگویند؟ در این صورت اعضای محترم فرهنگستان ادب و زبان فارسی میبایست ادعای مالکیت به بیشتر لغات این مرز و بوم داشته باشند.

در اینجا از این نقاد محترم سؤال می‌کنم آیا ایشان معتقد هستند مقالات علمی که ایشان از آن برای مقالات خود استفاده کرده‌اند فقط یک نسخه بوده و آنهم اختصاصاً برای ایشان پست شده‌است؟ مسلماً که چنین نیست، وقتی سخن از علم به میان می‌آید همه در آن شریکند. بعلاوه اساتید این علم نیز همانند سایر علوم دست‌آوردهای خود را برای استفاده دیگران بصورت مقاله به چاپ میرسانند. حال اگر مقاله‌ای مورد استفاده و استناد چند نفر قرار گیرد کسی که می‌بایست ادعای "مالکیت" و یا "خسارت" (طبق گفته نقاد محترم) داشته باشد نویسنده اصلی است نه کسی که خود نیز از آن مقاله استفاده کرده است.

بهر حال چیزی که بعد از چندین بار خواندن مقاله دستگیرم شد این بود که مورد ادعای مالکیت! ۵ صفحه از ۱۵۱ صفحه کتاب است!!! حال فرض را بر این می‌گذاریم که کلیه حرفهای آقای صلح‌جو درست باشد، آیا چند خط از ۵ صفحه کتاب با ۱۵۱ صفحه کل آن برابری می‌کند که ایشان کل کتاب را زیر سؤال برده‌اند. بسیار بر آن شدم که دلیل را بیابم و متوجه شدم که این آقا حتی شناسنامه کتاب را هم نگاه نکرده‌اند و متوجه نبودند که کتاب چاپ ۱۳۷۲ است و بعد از رفع اشکال، اصلاح غلط‌های تایپی و ذکر منابع کامل، مجدداً در سال ۱۳۷۴ تجدید چاپ شده است.

بهر تقدیر هر انسانی که بهره کمی از دانش برده باشد از کلیه مطالب انتقادی که ایشان از صفحات ۱۰۸-۱۰۵-۱۰۱-۱۰۰-۹۹ استخراج کرده‌اند و همچنین از دو بخش پایانی مقاله به این نتیجه می‌رسد که ایشان اولاً ادعای "مالکیت" نسبت به لغت دارند و در ثانی اگر بتوانند "خسارتی" دریافت کنند آنوقت دیگر "سرقت آشکاری" به وقوع نپیوسته است. بسیار جالب، ادعای علمی و عمل مادی!!! البته به غیر از غلط‌های تایپی که امری غیر قابل اجتناب در آن زمان بشمار می‌آمد ایشان نتوانستند به موردی هر چند ضعیف در ۱۴۶ صفحه دیگر کتاب اشاره کنند و متأسفانه مجبور می‌شوم به این مسئله اذعان کنم که شاید هضم بیشتر مطالبی که در سایر صفحات کتاب آمده است از عهده ایشان خارج است.

در خاتمه نظر نقاد محترم و دیگر خوانندگان عزیز را به بخش پایانی مقاله "درباره بخش نقد ترجمه" که سر دبیر محترم فصلنامه به رشته تحریر کشیده‌اند جلب می‌کنم و امیدوارم که فصلنامه مترجم که همیشه از ارزش بالائی برخوردار بوده است خود نیز به آن عمل کند.